

A review of the USA main and sub ways in the opposition with the Islamic Republic of Iran

Rahim Anbiyayi¹

Abstract

In most wars, the parties of war are considered solutions to the defeat of the opposite side, among these strategies, the plan that seems likely to succeed as much as it appears is chosen as the main and some others as the sub ways to deceive the opposite side. With the victory of the Islamic Revolution in Iran, the global arrogance and at the head of it the United States, to confront the Islamic Republic of Iran, planned and implemented solutions as a major and sub-strategies. It has put one of these strategies as the main solution. Also, to remote the attention of Iran's officials from the main solution, plans and implements several strategies as a subordinate solution. It is noteworthy that the sub-strategies that the United States considered to deal with Iran has used them as the main solution in opposition to other countries. The main question of the article is what is the main American solution to confront the Islamic Republic of Iran? In this paper, the research method is descriptive-analytical and the library method has been used to collect data.

Keywords: *Islamic Revolution, America, Islamic Republic, Economic War, Cultural War, Military War, Velayat-e-Faqih*

1- Master of Political Science, Law and Political Science, Islamic Azad University of Tabriz.

بررسی راهکارهای اصلی و فرعی آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی ایران رحیم انبیایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

چکیده

در بیشتر جنگ‌ها، طرفین جنگ راهکارهایی را برای شکست طرف مقابل در نظر می‌گیرند و از میان این راهکارها، طریقی را که احتمال موفقیت آن بیشتر به نظر می‌رسد را به عنوان راهکار اصلی و برای غفلت جبهه مقابل از توجه به راهکار اصلی، چند راهکار را به عنوان راهکار فرعی طرح و اجرا می‌کنند. با پیروزی انقلاب اسلامی، استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا، برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، راهکارهایی را به عنوان راهکار اصلی و فرعی طرح و اجرا نموده که از این راهکارها یکی را به عنوان راهکار اصلی مقابله با ایران قرار داده است؛ همچنین برای دور نمودن توجه مسئولان ایران از راهکار اصلی، چند راهکار را به عنوان راهکار فرعی طرح و اجرا می‌کند. نکته قابل توجه اینکه راهکارهای فرعی را که آمریکا برای مقابله با ایران در نظر گرفته، در تقابل با سایر کشورها، از آن‌ها به عنوان راهکار اصلی استفاده کرده است. سؤال اصلی مقاله این است که راهکار اصلی آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در این نوشتار، روش تحقیق مورد نظر، روش توصیفی و تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره‌برداری شده است.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی، آمریکا، جمهوری اسلامی، جنگ اقتصادی، جنگ فرهنگی، جنگ نظامی، ولایت فقیه.

مقدمه:

در اکثر جنگ‌های جهان چنین مرسوم است که طرفین همواره دنبال یافتن راهکاری هستند که بتوانند با کمترین هزینه، بیشترین ضربه ممکن را به طرف مقابل خود وارد کنند. لذا بعد از پیدا کردن چنین راهکاری، آن را به عنوان راهکار اصلی و سرّی در تقابل با طرف مقابل اتخاذ نموده و برای اینکه فکر و ذهن طرف مقابل متوجه راهکار اصلی نشود؛ در کنار راهکار اصلی، با طرح و اجرای یک یا چند راهکار فرعی سعی در منحرف نمودن تمرکز طرف مقابل دارند. در طول جنگ تحمیلی نیز رزمندگان اسلام برخی عملیات‌ها را طرح و اجرا می‌نمودند که با وجود دادن هزینه‌هایی در آن، هدف اصلی نه برای ضربه زدن به رژیم بعثی؛ بلکه هدف اصلی آن عملیات، منحرف کردن فکر و تمرکز ارتش بعثی بوده و ضربه اصلی و کاری به لشکریان صدام، توسط رزمندگان دیگر و از مسیر دیگری وارد می‌شد که برای نمونه می‌شود به عملیات‌هایی مثل عملیات ام‌الحسین اشاره کرد (پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، ۱۳۹۳).

با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در ایران، بدخواهان اسلام و نظام اسلامی با بررسی و مطالعه انقلاب اسلامی؛ برای مقابله با آن، یک راهکار اصلی اتخاذ نموده‌اند و با توجه به اینکه راهکار اصلی که دشمن در مواجهه با نظام اسلامی طرح نموده است، برای حصول به نتیجه نیاز به یک بازه زمانی دراز مدت دارد؛ لذا با طرح و اجرای راهکارهای فرعی، اهداف ذیل را دنبال می‌کنند:

الف) همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد چون راهکار اصلی برای عملیاتی شدن نیاز به زمان طولانی دارد، با طرح و اجرای طرح‌های فرعی سعی در مشغول نمودن ذهن و فکر مسئولین نظام اسلامی و منحرف نمودن فکر و ذهن مسئولین و عدم توجه و تمرکز به راهکار اصلی دارند.

ب) چون نبرد در میادین فرعی، انرژی و توان مضاعفی را از مردم و مسئولین اسلام و نظام اسلامی می‌گیرد؛ در صورت توجه احتمالی به راهکار اصلی، دیگر آن توان و انرژی لازم جهت نبرد در صحنه اصلی برای مردم و مسئولین وجود نخواهد داشت.

ج) این راهکارها هرچند فرعی می‌باشند، اما آنقدر ظریف و حساب شده طرح و اجرا می‌شوند که کمترین غفلت مردم و مسئولین در مواجهه با آن‌ها می‌تواند امنیت نظام اسلامی را با چالش جدی مواجهه نماید.

با در نظر گرفتن این مقدمه، سؤالات پژوهش عبارت است از:

۱) راهکار اصلی آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی ایران چیست؟

۲) راهکارهای فرعی آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران چیست؟

هدف از انجام این پژوهش، با در نظر گرفتن اینکه یکی از دغدغه‌های دیرینه و مهم حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مخصوصاً در دهه‌های اخیر مقوله جنگ نرم و تهاجم فرهنگی است؛ دستیابی به تحلیل درست و منطقی از اقدامات آمریکا در تقابل با جمهوری اسلامی ایران است.

رویکرد و متدولوژی مورد نظر این پژوهش با در نظر گرفتن سؤال پژوهش، رویکرد توصیفی و تحلیلی است. در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای بهره برده و در نهایت با تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کیفی در این مقاله ضمن اشاره به راهکارهای فرعی، به تبیین راهکار اصلی دشمنان در مقابله با نظام اسلامی و بیان دلایل عقلی و تاریخی جهت اثبات آن پرداخت شده است.

ادبیات پژوهش

جنگ نرم

جنگ نوعی منازعه خشونت‌آمیز سیاسی است که بین گروه‌های انسانی رخ می‌دهد. این منازعه سیاسی - اجتماعی با توجه به ماهیت، اهداف و ابزارهای آن، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود. یکی از اشکال جنگ که بر مبنای ابزار و ماهیت قدرت در آن از دیگر انواع متمایز می‌شود، جنگ نرم است. با وجود این همه اشکال جنگ، مصداق و تجلی روابط قدرت و متضمن اعمال قدرت می‌باشد. از این‌رو، مهم‌ترین وجه تمایز انواع مختلف جنگ، ماهیت قدرت و چگونگی اعمال آن است؛ به طوری که دو نوع جنگ سخت و نرم قابل تصور و تحقق می‌باشد. در جنگ سخت، قدرت ماهیت سخت‌افزاری دارد که به صورت قهرآمیز، مستقیم و آشکار اعمال می‌گردد. در حالی که در جنگ نرم، ماهیت قدرت، نرم‌افزاری است که به شیوه غیر قهرآمیز، غیر مستقیم و نهان اعمال می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۶).

بحث قدرت نرم در شکل نوین خود توسط جوزف نای مطرح شد. به طور کلی از نظر وی قدرت نرم عبارت است از: توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های دیگران اما نه با استفاده از تحصیل و تطمیع، بلکه از طریق جذب، همکاری و اغوا. البته مشخص است که حتی با این تعریف نیز مضمون و هدف اصلی قدرت، تغییری نکرده و همان «تحصیل اراده» بر طرف مقابل است؛ ولی البته روش‌ها عوض شده و شکل ملایم‌تری به خود گرفته است. در واقع، پیشران‌های قدرت نرم را باید در پارادایم عصر اطلاعات جستجو کرد. وابستگی شدید کشورها به هم در یک اقتصاد جهانی، گسترش شدید رسانه‌ها به خصوص اینترنت و تشدید تعاملات و ارتباطات جهانی، پرسشگری مردم و تشدید خواست و نقش افکار عمومی در اداره جوامع و غیره، باعث شد تا استفاده از ابزارهای کلاسیک زور و جنگ به تدریج مشروعیت و اثربخشی خود را از دست داده و در ضمن غیر اقتصادی‌تر از گذشته باشد. به این ترتیب، بحث قدرت نرم مطرح شد و امروزه قدرت نرم نه به عنوان یک نظریه، بلکه به عنوان یک شیوه عمل مورد استفاده حکومت‌ها قرار می‌گیرد و کاربرد رو به افزایشی نیز برای آن متصور است؛ به نحوی که می‌توان آن را شیوه نوین استعمار غرب دانست. گرچه نظریه قدرت نرم به ظاهر و در نگاه اول اشاره مستقیمی به جنگ نرم ندارد، ولی عملکرد واقعی و هدف غایی قدرت نرم چیزی جز «کسب سلطه» با روشی متفاوت نسبت به شیوه‌های کلاسیک نیست (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶-۵).

همانگونه که اشاره شد، جنگ دو بُعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد. جنگ سخت‌افزارانه یعنی هجوم، اشغال یا ضربه‌زدن به منابع مادی قدرت یک ملت (مثل سرزمین، جمعیت، منابع طبیعی، صنایع، تکنولوژی و نیروهای مسلح) و جنگ نرم بُعد دیگر جنگ است؛ یعنی هجوم، ضربه‌زدن و نابود نمودن منابع قدرت یک ملت (مانند فرهنگ، علم، ایدئولوژی، دین، اعتقادات و...) می‌باشد. جنگ نرم شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه هدف یا گروه هدف را بدون درگیری نظامی، گشوده‌شدن آتش، رقیب را به انفعال وا می‌دارد. در واقع هجوم به منابع نرم قدرت یک ملت یعنی تخریب فرهنگ، اعتقادات، دین و ایدئولوژی یک ملت و جایگزینی آن با منابع معنوی قدرت دشمن را می‌توان تحقق جنگ نرم نامید. در واقع هدف در جنگ سخت تسخیر سرزمین (استعمار قدیم) و نیمه‌سخت تسخیر بازار (استعمار نو) می‌باشد؛ در حالی که در جنگ نرم هدف تسخیر اذهان و قلوب (استعمار فرانو) می‌باشد. نتیجه جنگ نرم خلع

سلاح فکری، اعتقادی، فرهنگی و ارزشی یک جامعه و منفعل نمودن آن است. حداکثر نتیجه یک جنگ نرم جایگزینی فرهنگ، اعتقادات، افکار و ارزش‌های دشمن در قلب و ذهن افکار یک ملت رقیب و پیرو خود کردن آن‌ها می‌تواند باشد (بصیری، ۱۳۹۱: ۱۵۷-۱۵۶).

در دهه‌های اخیر، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) عالی‌ترین تبیین‌ها را از جنگ نرم به معنی عام و تهاجم فرهنگی به معنی خاص داشته‌اند. جنگ نرم را تهاجم فرهنگی، بلکه شیخون، غارت و قتل عام فرهنگی، جنگ اراده‌ها و عزم‌ها، جنگ و تهاجم به مرزهای ایمانی، عقیدتی و فرهنگی، جنگ برای عوض کردن ذهن مردم و ناامید ساختن از مبارزه و در نهایت جنگ نرم را به معنی «ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم» تعریف فرمودند. بدون شک همه این تعریف‌ها به تبیین ماهیت و ابعاد جنگ نرم کمک خواهد کرد و به احتمال فراوان یکی از تعریف‌های قابل قبول، این تعریف می‌باشد: «جنگ نرم، استفاده دقیق و برنامه‌ریزی شده از قدرت نرم علیه نظام‌های سیاسی مورد هدف، به منظور تأثیرگذاری بر باورها و ارزش‌های بنیادین و با هدف دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوی رفتاری مورد قبول در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است» (نائینی، ۱۳۸۹: ۷).

ویژگی‌های جنگ نرم

جنگ نرم در عرصه فرهنگی به دلیل ویژگی‌های خود از پیچیدگی خاص برخوردار است و خطرش افزون‌تر از سایر اشکال جنگ سخت و نیمه‌سخت است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- در این جنگ، اعتقادات، باورها و ارزش‌های اساسی یک جامعه مورد هجوم برای تغییر قرار می‌گیرد (مرادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۳).

۲- جنگ نرم آرام و تدریجی و زیرسطحی است؛ این جنگ، دفعی، شتابان و پر تحرک در یک مقطع نیست؛ بلکه به صورت آرام شروع شده و به گونه‌ای که بسیاری حرکت آرام آن را تشخیص نمی‌دهند (همان).

۳- به ظاهر رسمی و قانونی بودن؛ مانند تولید نمایش و فیلم، انتشار کتاب و مجله و روزنامه، سخنرانی، مباحثه، شعر، رمان، عکس و... در قالب ترویج فرهنگ و هنر و تبادل اندیشه و تضارب آراء (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۱: ۵۱).

- ۴- جنگ نرم در صورت موفق بودن، پایدار و بادوام خواهد بود. در واقع، هدف اصلی در جنگ نرم تغییر باورها و اعتقادات است. چنانچه این تغییر حاصل شود، به راحتی تغییر مجدد و بازگشت به حالت اولیه میسر نیست. در جنگ نرم، اگر دشمنان موفق به تصرف افکار و دل‌های جامعه هدف شوند؛ به راحتی نمی‌توان آن را باز پس گرفت و تغییر مجدد زمان بر است (مرادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۳).
- ۵- استفاده از ادبیات و الفاظ مردم‌پسند مانند آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، توسعه و تبادل فرهنگی و... (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۱: ۵۱).
- ۶- با برنامه عمل کردن و داشتن طرح و برنامه در فواصل کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت (همان).
- ۷- در جنگ نرم، ایجاد تردید و بدبینی نسبت به بسیاری از مسائل یک اصل و قاعده است. حرکت در این جنگ با خلق تردید و ایجاد ناامیدی و یأس شروع می‌شود. برای توفیق در این جنگ، با تکیه بر سنت‌ها و لکن با نوپردازی به صورت ظریف و آرام، در باورها و اعتقادات اساسی تردید ایجاد می‌شود و به مرور به دامنه این تردیدها افزوده شده تا در نهایت به ایجاد تغییرات اساسی در باورها و ارزش‌ها دست یابد (قربانی شیخ نشین و آسوده، ۱۳۹۸: ۷).

فرهنگ و خصوصیات آن

فرهنگ در لغت به معنای ادب، عقل و بزرگی است؛ اما در میان دانشمندان، مراد از معنای «فرهنگ» و آنچه با این واژه می‌آید، معرکه آرا و صحنه نبرد نظریات گوناگون در آن است. فرهنگ در مقام ادراک، آسان و در مقام تبیین، دشوار است؛ دلیل آسانی و دشواری در هر دو مقام به این موضوع بر می‌گردد که فرهنگ، معنایی است که مردم به جنبه‌های گوناگون زندگی خود می‌دهند و خود از آن هویت می‌یابند. از این رو فرهنگ معانی مختلفی دارد، ولی امروزه بیشتر به صورت نرم‌افزاری تعریف می‌شود تا سخت‌افزاری (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۱: ۴۶).

فرهنگ میراث هزاران سال تلاش فکری، هنری و صنعتی نسل‌های گذشته یک ملت است. هر نسلی اندوخته‌های فرهنگی و تجارت زندگی خویش را با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی

منتقل می‌سازد، نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می‌دهد؛ این جریان همواره در طول تاریخ ادامه داشته است. همانگونه که شخصیت یک فرد حاصل تجربیات فردی او است و موجب امتیازش از دیگر افراد می‌گردد، فرهنگ یک جامعه نیز حاصل هزاران سال تجربه تلخ و شیرین آن جامعه می‌باشد و این فرهنگ جامعه است که هویت آن را شکل داده و آن جامعه را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد. از سوی دیگر، فرهنگ چگونگی زندگی کردن را به افراد می‌آموزد. اندیشه‌ها و رفتارها را جهت می‌دهد؛ روابط میان افراد، طبقات و اقشار گوناگون جامعه را تنظیم می‌کند و حتی نزاع‌ها و درگیری‌های قومی و ملی را نیز تحت قاعده در می‌آورد و حدود و ثغور آن را مشخص می‌کند. در واقع، فرهنگ و فضای فرهنگی چونان فضای اطراف، ما را کاملاً احاطه کرده و ما در تمام صحنه‌های حیات فردی و اجتماعی خود، آن را لمس کرده و از آن تأثیر می‌پذیریم (فولادی، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

با آنکه ابن خلدون با تأکید بر وجه معنوی غالب بر فرهنگ، آن را مجموعه‌ای از عادات، رسوم و شئون زندگی مردم دانسته بود؛ بیشترین تعاریف رایج از فرهنگ به‌ویژه در غرب از اواخر سده نوزدهم مطرح شد. در همین سال‌ها (۱۸۷۱ م) بود که ادوارد تایلور فرهنگ را به صورت مجموعه‌ای از دانش، باور، هنر، قانون، اخلاق، عبادات و توانایی‌های دیگری که انسان از راه عضویتش در جامعه به دست می‌آورد، ترسیم کرد. از یک سو، این نکته قابل تأمل است که خاستگاه اصلی اینگونه تحلیل‌ها کشورهای انگلوساکسون است و از سوی دیگر باید خاطر نشان کرد که تحلیل‌های فرهنگی در درجه نخست ساخته و پرداخته مردم‌شناسان است. در تعریف نرمانیو از فرهنگ گفته می‌شود که فرهنگ عبارت است از مجموعه ارزش‌هایی که میان همه اعضای یک جامعه مشترک است. این تعریف گرچه با واقعیت جوامع سنتی تا اندازه زیادی مطابقت دارد، ولی نمی‌تواند بازگوکننده واقعیت جوامع صنعتی باشد؛ چرا که در این جوامع پیوسته شاهد نوآوری و دگرگونی‌های پیاپی هستیم و ارزش‌های مشترک و پایدار در معرفی تحول دایمی است. رفتارگرایان، فرهنگ را شیوه‌ای از رفتار می‌دانند که مورد پذیرش همه یا دست کم بخش بزرگی از مردمان است. ایشان بر پایه نظرسنجی می‌کوشند رفتارهای متداول یک جامعه را استقراء کنند (قراگوزلو، ۱۳۸۲: ۸۷-۸۶).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و رفتارها است و برآمده از انسان، فعالیت‌ها و روابط او در یک جامعه که می‌توان آن را در عناصر و اجزاء یک نظام پیچیده و منسجم بازشناسی کرد. این مجموعه منسجم در طول تاریخ از یک نسل به نسل دیگر به واسطه یادگیری و جنبه‌های سازگاری و عادت‌های آن انتقال می‌یابد. بدین سان، چارچوب‌های اندیشه و اقدام را در یک اجتماع مشخص می‌سازد. در تبیین فرهنگ باید تأکید کنیم آنچه که قبل از هر چیز فرهنگ را می‌سازد، شیوه‌های فکر، احساس و عمل مشترک میان افراد متعدد است (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۱: ۴۸).

فرهنگ نیز مانند مقولات دیگر از خصوصیات برخوردار است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- فراگرفتنی است؛
فرهنگ، آموختنی و اکتسابی است، از راه توارث به فرد منتقل نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه‌ای از عادت‌ها و تجربیاتی است که افراد در طول حیات خویش می‌آموزند (فولادی، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

۲- قابل انتقال است؛
عناصر فرهنگ بر اثر تلاش و علاقه انسان‌ها از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (همان).

۳- هویت‌دهنده؛
یعنی تنظیم‌کننده روابط اجتماعی و تضمین‌کننده نوع پیش و نگرش فرهنگ‌پذیری است (ابراهیمی و محمدی، ۱۳۹۱: ۴۹).

۴- مشخص‌کننده معیارها و ارزش‌ها است؛
هر فرهنگ با توجه به مجموعه خصوصیات و موقعیت خود نسبت به مسائل و موضوعات مختلف موضع‌گیری، مرزبندی و در نتیجه، ارزش‌گذاری می‌کند. هر فرهنگ حاوی تعاریفی از مفاهیم اساسی موجود است و براساس آن نظام و رفتار، وضعیت زندگی فردی و اجتماعی را شکل می‌دهد (فولادی، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

طرح‌ها و راهکارهای فرعی دشمنان برای مواجهه با اسلام و نظام اسلامی

راهکارهای فرعی که دشمنان برای مقابله با جمهوری اسلامی به کار می‌گیرند در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و یا ترکیبی از این سه حوزه می‌باشد. به طوری که اگر چهل سالی را که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد را به ۴ دهه تقسیم کنیم، دشمن با هدف انهدام، مهار و تغییر نظام اسلامی در هر دهه ضمن به کارگیری همه راهکارهای فرعی، تمرکز خود را در یکی از حوزه‌های فوق‌الذکر صرف نموده است. برای مثال در دهه اول انقلاب با وجود استفاده از همه راهکارهای فرعی برای مقابله با نظام اسلامی، بیشترین تمرکز و توان خود را در آن مقطع در حوزه امنیتی و نظامی نموده بود که در ادامه به ذکر اقدامات دشمنان در ۴ حوزه، اشاراتی خواهیم داشت.

راهکارهای استکبار در حوزه امنیتی و نظامی برای مقابله با ایران

یکی از راهکارهای استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا برای به چالش کشاندن نظام اسلامی، به کارگیری روش‌های امنیتی و نظامی بوده است. در دهه اول انقلاب به مناسبت نوپابودن انقلاب و عدم شکل‌گیری سازمان و تشکیلات منسجم در حوزه امنیتی و نظامی، استکبار جهانی با هدف انهدام انقلاب اسلامی بیشتر توطئه‌های خود را در حوزه امنیتی و نظامی طرح و اجرا می‌کرد. در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ به دنبال پذیرش شاه به ایالات متحده آمریکا، سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان اشغال و تعداد ۶۵ نفر از کارکنان سفارت بازداشت و ۵۲ نفر از آن‌ها به مدت ۴۴۴ روز در گروگان دانشجویان قرار گرفتند. چند روز بعد از حادثه تصرف سفارت آمریکا، رئیس‌جمهور آمریکا به ستاد مشترک نیروهای مسلح دستور داد که طرح آزادسازی گروگان‌ها را از طریق عملیات نجات تهیه و ارایه دهد و در عین حال آمادگی لازم را پیدا کنند. ستاد مشترک، فرماندهی این عملیات را برعهده سرهنگ چارلز بکویتز و گروه وی قرار داد. این گروه در جنگ‌های ویتنام شرکت داشته و معمولاً عملیات فوق‌العاده سخت و خطرناک را به آن‌ها محول می‌کردند. افراد این گروه اشخاص خشن و بیرحم بوده و تحت آموزش‌های پیچیده‌ای قرار داشتند و در قتل و آدمکشی ید طولانی داشتند (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۷-۱۴۶). سرانجام گروه ویژه ۱۳۲ نفره تحت عنوان «دلتا فورس» برای حمله به ایران و آزادی گروگان‌ها تشکیل شد و پس از بررسی‌های فراوان، در شامگاه چهارم اردیبهشت ۱۳۵۹، هفت فروند هواپیمای غول‌پیکر نظامی C-۱۳۰ و هشت فروند بالگرد نظامی مجهز آمریکا در عملیات موسوم به «پنجه عقاب» مرزهای

هوایی جنوب ایران را پشت سر گذاشتند و در طیس فرود آمدند؛ اما چند ساعت بعد با حرکت شن‌ها، بال‌های دو هواپیمای مجهز به تسلیحات نظامی در صحرای «پشت بادام» طیس، با یکدیگر برخورد و منفجر شدند و هشت نفر از نظامیان آمریکا جان خود را از دست دادند و با این انفجار آمریکایی‌ها تصمیم به لغو عملیات و بازگشت گرفتند. با شکست تجاوز آمریکا، بلافاصله کارتر در بیانیه‌ای که از طریق رادیو آمریکا در سراسر جهان پخش گردید، عدم موفقیت کشور آمریکا در این طرح را اعتراف و مجله تایم در تاریخ ۵ می ۱۹۸۰ در مقاله‌ای تحت عنوان «شکست در صحرا» نوشت: «مأموریت کارتر برای نجات گروگان‌ها در درون شعله‌ها فرو رفت. برای کارتر به طور اخص و برای آمریکا به طور اعم، ماجرای طیس یک شکست نظامی و سیاسی بود. یک بار ارتش مسلح و پر قدرتش در ویتنام در حالی که از پای می افتاد و به خود می پیچید، به زبونی و بیچارگی افتاد و حالا به نظر رسید که قادر نیست حتی زمانی که هیچ دشمنی نمی داند که آن‌ها در آنجا هستند و علی‌رغم چهار ماه تمرین مداوم نمی توانند هواپیماها را از برخورد یکدیگر حفظ کنند» (الفت پور، ۱۳۸۹: ۴۲).

به دنبال ناکامی و شکست اقدامات قبلی در براندازی جمهوری اسلامی، ایالات متحده یکی از اشکال نفوذ و روی کار آوردن مهره‌های دست‌نشانده را به کار گرفت که سال‌های متمادی توسط مداخله‌گرایان سازمان سیا در مناطق مختلف جهان در کوره تجربه‌های مکرر آزموده شده بود. کودتای نوژه که پس از گذشت ۷۵ روز از تهاجم آمریکا به طیس به وقوع پیوست، بزرگ‌ترین و منسجم‌ترین حرکت ائتلافی گروه‌های ضد انقلاب و قدرت‌های غربی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی به حساب می‌آمد. کودتای نوژه در ۱۸ تیر ۱۳۵۹ در دستور کار آمریکا قرار گرفت؛ براساس برنامه، کودتا باید در تهران و شهرهای بزرگ دیگر اجرا می‌شد و اماکنی چون مدرسه فیضیه، اقامتگاه امام (ره)، کمیته مرکزی، نخست‌وزیری و ... به وسیله هواپیماها بمباران می‌شد (میرچراغ خانی، ۱۳۹۵: ۵۳). کارشناسان، این کودتا را از لحاظ تجهیزات نظامی که قرار بود از داخل و خارج ایران به کار گرفته شود، در تاریخ کودتاهای جهان بی سابقه می‌دانند؛ دقت طراحی کودتا در حدی بود که سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)، حتی پیامی را که پس از کودتا در روز ۲۱ تیر ۱۳۵۹ باید از رسانه‌ها خوانده می‌شد، تهیه کرده بودند؛ اما با عنایت خداوند، قبل از این که این کودتا به مرحله اجرا برسد، طی یک عملیات بسیار دقیق، کشف شد و

تمامی عوامل آن در داخل کشور دستگیر شدند و این توطئه که می‌رفت تا ضربه جبران‌ناپذیری به نظام اسلامی بزند، خنثی و در نطفه خفه گردید (میرچراغ خانی، ۱۳۹۵: ۵۳).

با شکست خوردن برنامه‌های آمریکا یکی پس از دیگری، بعد از کودتای ناموفق نوژه، برنامه حمله عراق به ایران در دستور کار قرار گرفت. آمریکایی‌ها تحرکات شدیدی را برای ترغیب صدام به جنگ با ایران آغاز کردند. برژینسکی مشاور امنیت ملی آمریکا، برای آماده‌سازی عراق برای شروع جنگ و اطلاع‌رسانی به این کشور، سفرهای محرمانه بسیاری به منطقه داشت که مجله‌ها و مطبوعات آمریکایی و اروپایی از ملاقات‌های متعدد برژینسکی با صدام حسین خبر دادند (میرچراغ خانی، ۱۳۹۵: ۵۴). مجله فیگارو به نقل از طارق عزیز وزیر امور خارجه وقت عراق در اینباره چنین گزارش داد: جریان جنگ ایران و عراق در واقع از ژوئن گذشته (تیرماه ۱۳۵۹) زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز کشور اردن سفر کرد و در مرز کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات کرد و قول داد که از صدام حسین کاملاً حمایت نماید و این امر را تفهیم کرد که آمریکا با آرزوی عراق در مورد شط‌العرب و احتمالاً برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفت نخواهد کرد (مجتبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۶). در پی تحریکات و تحرکات سیاسی آمریکایی‌ها، در نهایت عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ حملات وسیع و گسترده‌ای را به ایران آغاز نمود و هشت سال تمام، نظام نوپای جمهوری اسلامی را درگیر خطرناک‌ترین و طولانی‌ترین نبرد پس از جنگ جهانی دوم کرد. تجهیز صدام به انواع سلاح‌های جدید جنگی و کشتار جمعی و نیز حمایت‌های رسانه‌ای، سیاسی و بین‌المللی به کوشش فراوان آمریکایی‌ها انجام شد (میرچراغ خانی، ۱۳۹۵: ۵۴).

امام خمینی (ره) با آغاز حمله صدام به ایران، بی‌درنگ فرمان مقاومت را صادر کرد و در مورد نقش آمریکا در شروع جنگ فرمودند: «آمریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد ... بدانید که ما با عراق جنگی نداریم و مردم عراق پشتیبان انقلاب اسلامی ما هستند. ما با آمریکا در ستیزیم و امروز دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است... بارها گفته‌ام ما مأمور جنگیم و تسلیم برای مسلمانان معنا ندارد» (صحیفه امام، ج ۱۳: ص ۲۱۳-۲۱۲). امام خمینی (ره) به عنوان سکان‌دار کشتی انقلاب اسلامی، همانند گذشته با روحیه‌دادن به ملت مسلمان ایران، احیای روحیه جهاد و شهادت و بهره‌گیری از حماسه‌های تاریخی عاشورا و سیدالشهداء، ضمن

بسیج همگانی مردم، بستر دفاع همگانی و مردمی را فراهم ساخت. در پرتو هدایت‌های ایشان و مقاومت ملت مسلمان ایران، صدام این چهره جنگ‌افروز و جاه‌طلب به اشغال هشت ساله جمهوری اسلامی ایران پایان داد و ضمن تن‌دادن به شرایط پیشنهادی ایران، قرارداد الجزایر را که روزی آن را در پیشگاه ملتش پاره کرده بود، مبنای متارکه جنگ قرار داد (محمدی، ۱۳۷۹: ۹۵). استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا بعد از یک دهه شرارت به این نتیجه رسید که با راهکارهای نظامی و امنیتی نه تنها نتوانست نظام اسلامی را به چالش بکشد، بلکه بستری را فراهم کرد که در آن نظام جمهوری اسلامی توانست با تربیت هزاران متخصص و صاحب‌نظر در حوزه جنگ، در عرصه نظامی و امنیتی به بالاترین حد از توان و اقتدار در سطح منطقه و جهان برسد.

راهکارهای اقتصادی برای مقابله با ایران

از مهم‌ترین راهکارهایی که آمریکا در برابر کشورهای که به انحاء گوناگون در برابر سیاست زیاده‌خواهانه ایالات متحده می‌ایستند استفاده می‌کند این است که با برجسب‌های مختلف حمایت از تروریسم، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و نقض حقوق بشر متهم می‌گردند، استفاده از حربه‌های اقتصادی است (پایگاه اینترنتی اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان). لذا آمریکا با هدف مهار ایران طرح‌های مختلف اقتصادی را برای ضربه‌زدن و به چالش کشاندن انقلاب اسلامی اجرا نموده است. طرح سیاست مهار ایران در اواخر حکومت بوش اول در کنگره آمریکا مورد تصویب قرار گرفت و در زمان «بیل کلینتون» و با حمایت‌های افراد تندرو در سنا، کنگره و هیئت دولت آمریکا به مرحله اجرا گذاشته شد. هدف طراحان این سیاست، شکست اقتصاد و تضعیف بنیه مالی ایران بود؛ نوع نگرش مقامات آمریکایی در این طرح، سیاست بدون سلاح و نبرد غیر از غائله‌آفرینی، تجزیه‌طلبی، کودتا و جنگ بود (غلام‌پور، ۱۳۸۹: ۶۹). به همین دلیل از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همواره استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا به اعمال تحریم‌های مختلف اقتصادی و وضع قوانین و مقررات گوناگون علیه نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

در بُعد اقتصادی دکترین استراتژی مهار، کارشناسان ایالات متحده روش‌های ذیل را برای تضعیف توانمندی‌های مالی ایران پیشنهاد داده‌اند:

- ممانعت از دستیابی ایران به تکنولوژی‌های پیشرفته به‌ویژه در بخش‌های هسته‌ای، شیمیایی، فضایی و الکترونیک.
 - اعمال مجازات‌های سنگین علیه سرمایه‌گذاری مؤسسات، شرکت‌ها، افراد حقوقی و حقیقی آمریکایی در صنایع نفت و گاز و صنایع مرتبط با انرژی در ایران.
 - جلوگیری از اعطای وام به ایران توسط مؤسسات مالی جهانی نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی.
 - بلوکه کردن کلیه اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا.
 - مسدود کردن حساب‌های بانکی ایران در بانک‌های آمریکایی در داخل و خارج آمریکا.
 - ممنوع نمودن ورود هر نوع کالای ایرانی به آمریکا و صدور هر نوع کالای آمریکایی به ایران.
 - جلوگیری از دستیابی ایران به تکنولوژی‌های دو منظوره.
 - تحریم خرید نفت و هرگونه معامله مالی و پول با ایران.
 - ممنوع کردن انتقال اعتبارات و مبادله ارز با ایران.
 - اعمال مجازات‌های سنگین علیه شرکت‌ها و مؤسسات غیر آمریکایی که به ارتقای توان ایران برای توسعه منابع نفت و گاز کمک می‌کنند.
 - اعمال تحریم علیه کشورها و مؤسسات خارجی که بیش از ۴ میلیون دلار در سال، در صنایع انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند.
 - مقابله جدی و مستمر با گسترش روابط اقتصادی ایران با کشورهای پیشرفته.
 - حمایت از رقبای اقتصادی ایران در سطح منطقه و جهان و تقویت آن‌ها در مقابل ایران.
 - تبلیغات وسیع برای ناامن جلوه‌دادن اغراق‌آمیز اوضاع داخلی ایران با هدف جلوگیری از سرمایه‌گذاری مؤسسات تجاری و مالی سایر کشورها در ایران (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۶).
- آمریکایی‌ها از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۹ در حدود ۳۹۰ مورد موضع‌گیری رسمی در رابطه با تضعیف توانمندی‌های ایران داشتند که به واسطه آن‌ها هرگونه همکاری سایر کشورها و مؤسسات خصوصی با ایران مورد تهدید قرار گرفته است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

امروز نیز آمریکا به بهانه تلاش جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای، تحریم‌های شدیدی را علیه کشور ما به کار گرفته و دامنه و گستره تحریم‌ها را شامل مراودات بانکی و شرکت‌های تجاری و بازرگانی و حتی دارو نموده است که با هدف ایجاد نارضایتی مردم و جدانمودن آنان از نظام جمهوری اسلامی به عنوان پشتوانه اصلی نظام صورت می‌گیرد؛ اما ایستادگی و صلابت مردم در برابر زیاده‌خواهی آمریکا موجب شد با وجود همه سختی‌ها، ایران اسلامی نه تنها در برابر همه تحریم‌ها ایستادگی نماید، بلکه آن‌ها را به فرصتی برای پیشرفت کشور تبدیل نماید (مجتبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۸).

برژینسکی، در یکی از سخنرانی‌های خود صریحاً اعلام کرد: «تحریم‌های آمریکا علیه ایران به دستاوردهای مهمی نرسیده است و باعث اختلاف بین آمریکا و متحدان او شده است. شاید این سیاست را دیگر نتوان ادامه داد و بهتر است به منافع دراز مدت آمریکا توجه کرد» (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۹).

راهکارهای سیاسی برای مقابله با ایران

بعد از ناکامی دشمنان اسلام و نظام اسلامی در براندازی و مهار انقلاب اسلامی در دهه سوم، استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا با راهکارهای سیاسی، سعی در تغییر نظام اسلامی داشتند. دولت آمریکا سالانه برای براندازی نظام اسلامی بودجه اختصاص می‌دهد، این بودجه با عنوان «برنامه ترویج دموکراسی در ایران» به تصویب می‌رسد. با وجود اینکه آمریکا در توافق‌نامه الجزایر، بعد از ماجرای تسخیر لانه جاسوسی تعهد داده بود که در امور داخلی ایران دخالت نکند، ولی نگاهی به بودجه‌های سالیانه این کشور نشان می‌دهد که تاکنون میلیون‌ها دلار برای اقدامات این چنینی هزینه شده است (میرچراغ‌خانی، ۱۳۹۵: ۵۸).

یکی از اقدامات مداخله‌جویانه آمریکا علیه انقلاب اسلامی، حمایت، سازماندهی و هدایت مخالفان نظام برای مقابله با نظام اسلامی بوده است. این حمایت شامل حمایت مالی، تسلیحاتی، رسانه‌ای، تبلیغاتی و ... است. هدایت و حمایت آشکار سران این کشور از غائله تیر سال ۱۳۷۸ و فتنه سال ۱۳۸۸ عمق کینه‌توزی آنان را به خوبی نشان می‌دهد. در جریان فتنه ۸۸، مقامات آمریکایی بی‌پرده با دخالت در امور داخلی کشور به حمایت از جریان فتنه پرداختند. هیلاری

کلینتون که وزارت خارجه آمریکا را در آن زمان بر عهده داشت، اظهار داشت: «دولت آمریکا از بیرون ایران، هر حمایتی از دستش بر می‌آید از معترضان (جریان فتنه) کرد» (مجتبی‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۹).

با وجود اینکه این برنامه‌ها در طول چند سال گذشته، ناکارآمدی کامل خود را در تغییر نظام در ایران نشان دادند؛ باز هم یکی از اولویت‌های اصلی آمریکا در بودجه‌های سالانه می‌باشند.

راهکار ترکیبی برای مقابله با ایران

راهکار فرعی استکبار جهانی در دهه چهارم انقلاب اسلامی، ترکیبی از راهکارهای امنیتی، اقتصادی و سیاسی است. در حوزه امنیتی و نظامی، غرب با حمایت از گروه‌های تروریستی مثل داعش سعی در به چالش کشاندن نظام اسلامی دارد. نبیل نعیم، فرمانده ارشد سابق القاعده در تلویزیون المیادین بیروت در جولای ۲۰۱۴ گفت: همه داعش برای سازمان سیا کار می‌کنند. داعش بخشی از نگرش نومحافظه‌کاران و رژیم صهیونیستی برای بالکانیزه کردن خاورمیانه، اعراب و مسلمانان است. «جنگ بی پایان» برای هدر دادن منابع و پول ایران طراحی شده است. وی در سال ۲۰۱۳ پس از آنکه النصره یکی از گروه‌های تروریستی حاضر در سوریه به تابعیت القاعده در آمد، گفت: من شخصاً اعتقاد دارم، رهبر النصره محمد الجولانی و الظواهری رهبر القاعده عامل سازمان سیا هستند و از آمریکا دستور می‌گیرند (بصیری و سالدورگر، ۱۳۹۶: ۵۶۴).

انگیزه و تلاش رهبران داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران از اعلامیه‌های صادر شده از طرف آن‌ها قابل فهم است. مهم‌ترین اقدام در این زمینه در آذر ماه ۱۳۹۴ اتفاق افتاد که چهار عروسک بمب‌گذاری شده توسط زائران کربلا به ایران وارد شد که با آگاهی دستگاه‌های امنیتی این توطئه شناسایی و خنثی شد و یا حملات تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (ره) در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ در تهران اشاره نمود که در نتیجه آن ۱۷ نفر شهید و حدود ۵۲ نفر زخمی شدند. این حملات، نخستین حمله داعش در خاک ایران بود و اولین حمله تروریستی در تهران در بیش از یک دهه و نخستین حمله بزرگ در کشور از زمان بمب‌گذاری ۱۳۸۹ در زاهدان محسوب می‌شود (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۰). تازه‌ترین اقدام آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در حوزه امنیتی، به شهادت رساندن فرماندهان

نظامی جمهوری اسلامی ایران و همراهان آنان از طریق توسل به حملات هوایی پهبادهای به مورخه سوم ژانویه ۲۰۲۰ در شهر بغداد است. در این حمله نظامی، سپهبد قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سرتیپ حسین جعفری‌نیا، سرهنگ پاسدار شهرد مظفری‌نیا، سرگرد پاسدار هادی طارمی، سروان پاسدار وحید زمانیان و ۵ نفر از اعضای سازمان شیعی الحشد الشعبی عراق من جمله ابومهدی المهندس (معاون الحشد الشعبی) به درجه رفیع شهادت نائل آمدند (علیاری تبریزی، ۱۳۹۸: ۳۲).

در حوزه اقتصادی تاکنون هیچ یک از تحریم‌هایی که طی سه دهه گذشته و با محوریت آمریکا بر ایران تحمیل شده، نه تنها لغو نشده یا کاهش پیدا نکرده، بلکه به مرور بر شدت و ابعاد این تحریم‌ها افزوده شده و در حال حاضر ایران با بی سابقه‌ترین تحریم‌ها در تاریخ خود روبرو است؛ به طوری که می‌توان درباره آن اصطلاح جنگ اقتصادی را به کار برد (منظور ۱۳۹۲: ۲۴).

در حوزه سیاسی نیز یکی از اقدامات مداخله‌جویانه آمریکا علیه انقلاب اسلامی، حمایت سازماندهی و هدایت مخالفان نظام برای مقابله با نظام اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز بوده است؛ که به عنوان نمونه می‌شود به دخالت آمریکا در حوادث سال ۹۸ اشاره کرد. سناریوی آمریکایی‌ها برای فتنه ۹۸ در ایران بر مبنای القای گسترش فساد سیستماتیک در کشور و ناکارآمدی مسئولان بود تا مردم را علیه نظام به خیابان‌ها بکشانند؛ که با تیزبینی رهبری و روشن‌بینی و بصیرت مردم تمام سناریوی آمریکایی‌ها خنثی شد (محترم، ۱۳۹۸).

راهکار اصلی آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران

همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، هرچند همه راهکارهای فوق‌الذکر به عنوان راهکار فرعی آمریکا برای به چالش کشاندن جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ ولی این را باید در نظر گرفت که هر کدام از راهکارهای فرعی که به آن اشاره شد، خود به تنهایی راهکار اصلی آمریکا در مقابل با دشمنان یا رقبای خود بوده است. به عنوان مثال، آمریکا با راهکار نظامی کشورهای مثل یوگسلاوی، افغانستان، عراق و ... را اشغال کرد (باشگاه خبرنگاران جوان)؛ یا با راهکار سیاسی، پروژه انقلاب رنگی توسط آمریکایی‌ها طراحی شد تا به واسطه آن آمریکا با کمترین هزینه نظام‌های مخالف خود در کشورهایی مانند گرجستان، لهستان، چک، کرواسی، صربستان، اوکراین

و ... را به سقوط و فروپاشی بکشاند (مرادزاده، ۱۳۸۸: ۳۶).

راهکار اصلی که آمریکا و استکبار برای به چالش کشاندن نظام اسلامی در نظر گرفته است، عبارت است از تلاش برای تغییر در باورها و اعتقادات اسلامی مردم جامعه؛ لذا با به کارگیری متخصصان و تشکیل اتاق فکر و صرف هزینه به طرح و اجرای عملیات پیچیده، دقیق و حساب شده در این حوزه مشغول می‌باشد. دلایلی که آمریکا و همراهانش را به این نتیجه رسانده که در تقابل با نظام اسلامی و انقلاب اسلامی، راهکار اصلی خود را تلاش برای تغییر در باورها و اعتقادات اسلامی مردم جامعه ایران قرار داده و بر آن تمرکز نمایند را می‌شود به طور خلاصه در دو دلیل تجربه تاریخی و دلیل عقلی بیان نمود؛ که در ادامه به اجمال به بررسی این دو دلیل خواهیم پرداخت.

الف) تجربه تاریخی

در سال ۹۲ هجری قمری، موسی بن نصیر (حاکم شمال آفریقا) با تهیه مقدمات لازم، لشکری هفت هزار نفری را به فرماندهی طارق بن زیاد مهبای فتح شبه جزیره ایبری (Iberia) کرد. پس از به دست آوردن پیروزی‌هایی چند، موسی بن نصیر نیز با نیروی کمکی وارد شبه جزیره شد و طی مدت کوتاهی، تمام شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) به دست مسلمانان فتح گردید. حتی آن‌ها از سلسله جبال پیرنه گذشتند و به خاک فرانسه رسیدند و حکومت اسلامی اندلس را در شبه جزیره برقرار کردند که تا سال ۸۹۷ هجری قمری ادامه یافت (محمدی جورکویه، ۱۳۸۱: ۸۸). اهمیت و عظمت اندلس هنگامی بیشتر نمود پیدا می‌یابد که نگاهی به نقشه سیاسی اروپا در قرن هشتم میلادی افکنده شود. در حالی که سرزمین‌های مسکون و متمدن اروپا تنها به پیرامون مدیترانه، فرانسه و بخش‌هایی از اروپای مرکزی و شبه جزیره بالکان محدود بود و هیچ آثاری از زندگی مدنی در انگلیس، آلمان، اتریش، روسیه، اروپای شرقی و اسکاندیناوی دیده نمی‌شد، مسلمانان موفق شدند در جنوب غربی اروپا تحولی علمی و فرهنگی و شکوفایی فکری و ادبی پدید آورند و گوشه‌ای از فرهنگ و علوم اسلامی را به اروپا انتقال دهند (گلی زواره، ۱۳۸۷: ۵۴). هنگامی که سرتاسر اسپانیا به تصرف اسلام درآمد و حکومت اسلامی در آن استقرار یافت، وضع این کشور به کلی دگرگون شد؛ نظام طبقاتی از بین رفت، برابری و برادری جایگزین آن گردید؛ یهودیان و مسیحیان و مسلمین در کنار هم برادرانه زندگی می‌کردند و

اقلیت‌های مذهبی در اظهار عقیده و انجام مراسم مذهبی آزادی کامل داشتند. تمام کوشش مسلمانان از آن روز، ریختن شالوده یک تمدن بزرگ و مبارزه با فقر و جهل بود که در طول هشتصد سالی که مسلمانان در آنجا حکومت می‌کردند، به قدری از خود آثار گران‌بها گذاشتند که هنوز هم بهترین آثار دیدنی اسپانیا مخصوص دوران اسلامی است. گوستاولویون می‌نویسد: «مسلمانان در طول چند قرن، کشور اندلس را از نظر علمی و مالی به کلی منقلب نموده و آن را تاج افتخاری بر سر اروپا قرار داده بودند؛ و این انقلاب نه تنها در مسائل علمی و مالی، بلکه در اخلاق نیز بوده است» (قربانی، ۱۳۵۲: ۷۴). مسلمانان اندلس در سایه دانش‌پژوهی و علم‌دوستی در اسلام، بدان پایه از پیشرفت در رشته‌های مختلف علمی، صنعت، کشاورزی، شهرسازی و زیباسازی شهرها رسیدند که «جان دراپر» (Jhon w. Draper) در «تاریخ پیشرفت فکر در اروپا» پس از توصیف شهرسازی و زیباسازی شهر قرطبه (پایتخت اندلس) می‌نویسد: «هفتصد سال بعد از این تاریخ (زمانی که قرطبه چنین شکوهی داشت) هم حتی یک چراغ در راه‌های عمومی لندن و پاریس وجود نداشت و قرن‌ها پس از این تاریخ، افراد پیاده در شهر لندن و پاریس در روزهای بارانی تا قوزک پا در گل فرو می‌رفتند» (محمدی جورکویه، ۱۳۸۱: ۹۰).

مسیحیان که از نفوذ اسلام در این سرزمین، سخت خشمگین بودند، به اجرای نقشه‌ای دست زدند و پیشروی گام به گام را سرلوحه کار خود قرار دادند. زمامداران مسیحی نقشه‌ای را با کمک «براق بن عمار» افسر خائن مسلمان کشیدند. در این نقشه «براق بن عمار» به مقامات کلیسا توصیه می‌کند ضمن خودداری از رویارویی مستقیم با مسلمانان، از طریق بستن پیمان و معاهده در چند حوزه تلاش کنند تا جامعه اسلامی را از درون پاک کنند تا بتوانند در دراز مدت مسلمانان را به زانو در آورند. وی به مسیحیان پیشنهاد داد با مسلمانان وارد مذاکره شده و در سه محور آزادی در تبلیغ دین، آزادی در آموزش به مسلمانان و آزادی در تجارت معاهده و تفاهم‌نامه امضا کنند. چرا که آزادی در تبلیغ دین باعث خواهد شد که کشیشان و مبلغان بتوانند تعلیمات دینی مسیحیان را در میان کودکان آموزش دهند. آزادی در آموزش، جوانان مسلمان را به خاطر حسن طبعی احترام به آموزگار، و او می‌دارد که به برتری فکری و نژادی مسیحیان و اروپاییان معتقد شوند و آنان را عالی مقام‌تر از خود بدانند و سرانجام آزادی تجارت و داد و ستد با مسلمانان وسیله‌ای است برای آمیزش و معاشرت نزدیک با آن‌ها. به همین وسیله می‌توانید از وابستگی و علاقه مسلمانان به

پوشاک و دیگر ویژگی‌های ملی و مذهبی شان بکاهید (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۴).

با پذیرش و بستن پیمان صلح با مسیحیان، رفتار مسلمانان اندلس رو به فساد و تباهی گرایید؛ کشیشان و مبلغان مسیحی در شهرهای مسلمانان پراکنده شدند، مدرسه‌های گوناگون به پا کردند و تبلیغ مسیحیت را آغاز نمودند. کشیشان برای تحقق بخشی به مواد معاهده و تأثیرات اقدامات عملی، هر از چند گاهی تجمع برقرار می‌کردند. از جمله اقدام‌های عملی و بلکه از نخستین اقدام‌ها این بود که در کنار رودخانه قرطبه، باغ و گردشگاهی در میان کشتزارها فراهم کردند و آن را به گردشگاهی عمومی برای حکمرانان، صاحب‌منصبان و بزرگان مسلمان اختصاص دادند تا آن‌ها در روزهای یکشنبه علاوه بر گردش، از تماشای دختران مسیحی نیز لذت ببرند. براساس توصیه‌های براق بن عمار، شراب اروپا به اندلس سرازیر می‌شد تا جوانان مسلمان را فاسد کند (طنطاوی، ۱۳۸۱: ۸۰۶-۸۰۴).

این هجمه فرهنگی تا آنجا کارساز بود که بزرگ تا کوچک، از امیر تا سرباز و طبقه حاکم و عموم مردم، به فساد اخلاقی روی آوردند و به این دام مخرب گرفتار آمدند. متفکر دردمند، شهید مرتضی مطهری (ره) در این زمینه می‌گوید: «در کتاب خواندم که روزی یکی از حاکمان مسلمان در قصر خودش کنار دریایی نشسته بود و داشت خیابان و بازار را تماشا می‌کرد. یک دختر بسیار زیبای مسیحی - و شاید به قصد دلربایی از شخص حاکم - با طنّازی فوق‌العاده از آنجا عبور کرد. او مقداری تماشا کرد، آن چنان فریفته شد که بی اختیار خودش از قصر بیرون دوید، دیگر مجال به غلام‌ها و نوکرها نداد که بروید او را بیاورید، خودش پرید و شخصاً او را بغل زد و آورد داخل قصر. این واقعه گزارش شد به مراکزی که این توطئه را اجرا می‌کرد. می‌گویند وقتی به آنجا گزارش شد، آن‌ها از شادی به رقص آمدند، گفتند دیگر ما فاتحیم» (عبدالحمیدی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۹۶-۶۱).

مجموعه‌ی عوامل فوق به سقوط سرزمین اندلس منتهی گردید و اکنون پس از گذشت قرن‌ها از فروپاشی سرزمین اندلس، همچنان آثار اسلامی همچون مساجد و مدارس با معماری اسلامی در سرزمین اسپانیای کنونی مشاهده می‌شود و یادآور مجد و قدرت مسلمانان در سرزمین اسلامی است. همانگونه که اشاره شد مسیحیان با ترویج فساد و بی‌اخلاقی و تغییر در باور و اعتقادات مسلمانان اندلس، آنان را فاسد کرده و کم‌کم آنان را گرفتار فحشا نمودند و این معصیت

چنان سریع رواج یافت که دامن سردمداران را هم آلوده ساخت و آنگاه که درخت از داخل تهی شد، یک حمله نظامی در سال ۱۴۹۲ میلادی مسلمین را از پای درآورد. صد هزار نفر کشته شدند و بقیه تسلیم شدند و زندگی نکبت‌باری را تحت حکومت مسیحیان آغاز نمودند. اینان نیز یا به تدریج کشته می‌شدند و یا به دین مسیحیت می‌گرویدند. چنانکه جرجی زیدان می‌نویسد: پس از پیروزی مسیحیان بر اندلس، مسلمانان را مجبور کردند مانند افراد مختلف علامتی با خود همراه داشته باشند تا بدین وسیله شناخته شوند و سرانجام مسلمانان را میان مرگ و پذیرش مسیحیت مخیر ساختند. بسیاری از مسلمانان اجباراً تغییر آیین دادند و مسیحی شدند. در محلی موسوم به کالی کوت تعدادی از کشتی‌های حامل آذوقه مسلمانان به دست مسیحیان ضبط گردید و سرنشینان کشتی‌ها - که جمعیاً بالغ بر هشتصد نفر بودند - مورد هجوم واقع شدند و مسیحیان همه را دست و گوش و بینی بریده و سپس موجودات مثله‌شده را بی‌رحمانه به کشتی‌ها باز می‌گردانیدند و آن‌ها را آتش می‌زدند تا اجساد نیمه جان مسلمین تبدیل به خاکستر گردد (گلی زواره، ۱۳۸۸: ۴۶).

این بود سرنوشت یک ملت قهرمان مسلمان که سال‌ها در سایه طرفداری و عمل به دین و آیین خود به بزرگ‌ترین قدرت‌ها رسیدند و عالی‌ترین نمونه‌های تمدن را از خود به یادگار گذاشتند؛ ولی از آن ساعتی که دست از احکام مقدس اسلام برداشتند و آن‌ها را پشت سر انداختند، اسباب نابودی‌شان فراهم شد و دشمن بر آن‌ها مسلط گردید و به فجیع‌ترین وضع گرفتار شدند.

ب) دلیل عقلی

فرض کنید یک سازه بزرگ مثل یک برج، چنان دقیق و حساب‌شده بنا شده است که به هیچ وجه ممکن نمی‌شود به آن صدمه زد و آن را ویران نمود، چرا که چنان مهندسی شده طراحی و ساخته شده است که هیچ روزنه نفوذی برای ایجاد خلل و فساد در آن نمی‌شود پیدا کرد. در این حالت تنها راهی که می‌شود این بنای عظیم را به پایین کشید، آن است که زمینی را که آن بنای محکم و استوار در آن واقع شده را آنقدر سست نمود تا این زمین نتواند این بنای محکم و استوار را در خود حفظ نماید.

ولایت فقیه از جمله مباحث و مفاهیم مهم فقه سیاسی شیعه است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یکی از پایه‌های اصلی نظام اسلامی مطرح شده و از اهمیت بسیار برخوردار است.

در اندیشه امام خمینی (ره)، مبنای مشروعیت و اعتبار حاکمان و زمامداران، نصب و جعل بی واسطه، یا با واسطه از سوی خداوند است؛ بنابراین در اندیشه سیاسی امام خمینی حقانیت و مشروعیت نهادهای سیاسی و حقوقی در ظل ولایت انحصاری خداوند و بر ملاک و مبنای اذن الهی می‌باشد. لکن به تبع آموزه‌های اسلام، فرصت اعمال قدرت برای هر حاکم و نظام مشروعی، تنها از رهگذر اقبال و اختیار مردم است. از این رو، امام آرای اکثریت مردم را معتبر می‌داند، حتی اگر بر ضرر خودشان رأی داده باشند (کریمی والا و زمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۳ - ۱۵۰).

در واقع اصل پذیرش همگانی، شرط تحقق ولایت الهی به دست رهبر است و این اصل جزء تعریف ولایت نیست، بلکه شرط وجود و حصول آن است. نقش مردم در میزان «کارآمدی» نظام، بسیار تعیین‌کننده است. هر اندازه مردم در صحنه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... حضور فعال و گسترده‌ای داشته باشند، حاکمیت ولایی کارآمدتر و موفق عمل خواهد کرد؛ به عبارت دیگر مردم در واقع بازوان توانمند و نیروی محرکه نظام اسلامی هستند. چنانچه توده مردم مسلمان حمایت عملی نکنند، حکومت اسلامی هیچگاه شکل نخواهد گرفت، همانند دوران امامان معصوم (ع) که حکومت نداشتند (رشادتی، ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳).

التزام عملی و نظری به ولایت فقیه، مستلزم داشتن ایمان به ولایت خداوند و ولایت پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام است. در واقع رابطه بین تقوای فرد و پیروی از ولایت فقیه یک رابطه مستقیم بوده و برای اینکه ولایت‌پذیری فرد بیشتر باشد، باید ایمان و اعتقاد وی نیز به اسلام و احکام اسلامی بیشتر باشد.

امام خمینی (ره) در ۲۸ شهریور ۱۳۵۸ در جمع افسران، همافران، درجه‌داران و پرسنل غیر نظامی پایگاه هشتم نکاء نیروی مستقر در اصفهان، سخنانی در شهر قم ایراد فرمودند که مضمون آن چنین می‌باشد: پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به مملکت شما نرسد (صحیفه امام، ج ۱۰: ص ۵۸). به عبارتی دوام جمهوری اسلامی در پیروی مردم از ولایت فقیه است. در واقع ولایت فقیه به عنوان آن برج نفوذناپذیر و مستحکمی است که حضرت امام خمینی (ره) آن را در زمین باور و اعتقادات اسلامی جامعه بنا نهاده‌اند. با توجه به اینکه دشمنان اسلام و نظام اسلامی با علم و آگاهی از تاریخ اسلام و سیره ائمه اطهار علیهم السلام نیک می‌دانند که کسی که به عنوان نائب ائمه اطهار علیهم السلام رهبری جامعه اسلامی را بر عهده دارد؛ آن سطح از تقوا، شجاعت و

بصیرت را دارد که نفوذ در آن غیرممکن می‌باشد؛ لذا بهترین کار برای ضربه به مقام ولایت، ایجاد شبهه و تغییر در باورهای دینی و اعتقادی مردم جامعه است؛ چرا که تغییر در باور و اعتقادات مردم، کاهش اطاعت‌پذیری و ولایت‌پذیری جامعه را در پی خواهد داشت و به این ترتیب امکان ضربه به اسلام و نظام اسلامی وجود دارد.

مباحث عنوان‌شده حکایت از اهمیت بسیار زیاد مقوله فرهنگ دارد، یکی از دغدغه‌های دیرینه مقام معظم رهبری که همواره مورد تأکید و توجه ایشان بوده، مقوله تهاجم فرهنگی است. آنچه مسلم است این است که دشمن، تهاجم خود را از جبهه فرهنگی شروع کرده و کاملاً حساب‌شده و چراغ خاموش در حال پیشروی می‌باشد؛ اگر اقدام شایسته صورت نگیرد، قطعاً این غده سرطانی به تمام پیکره ایران اسلامی سرایت می‌کند. لذا همان‌گونه که هنگام تهاجم نظامی خود را آماده دفاع و فداکاری می‌کنیم، در جبهه فرهنگی هم باید با تمام امکانات به دفاع و دفع فرهنگ دشمن پردازیم و گرنه سنگرها را یکی بعد از دیگری از دست خواهیم داد و زمانی به خود می‌آییم که کار از کار گذشته است.

نتیجه‌گیری

در اکثر جنگ‌های جهان، چنین مرسوم است که طرفین همواره دنبال یافتن راهکاری هستند که بتوانند با کمترین هزینه بیشترین ضربه ممکن را به طرف مقابل خود وارد کنند. لذا بعد از پیدا کردن چنین راهکاری، آن را به عنوان راهکار اصلی و سرّی در تقابل با طرف مقابل اتخاذ نموده و برای اینکه فکر و ذهن طرف مقابل متوجه راهکار اصلی نشود، در کنار راهکار اصلی با طرح و اجرای یک یا چند راهکار فرعی، سعی در منحرف‌نمودن تمرکز طرف مقابل دارند. با پیروزی انقلاب اسلامی، استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا، برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران، راهکارهایی را طرح و اجرا نموده که از این راهکارها یکی را به عنوان راهکار اصلی مقابله با ایران و شکست آن قرار داده است و برای دورنمودن توجه مسئولان ایران از راهکار اصلی، چند راهکار را به عنوان راهکار فرعی طرح و اجرا می‌کند. نکته قابل توجه اینکه، راهکارهای فرعی که آمریکا برای مقابله با ایران در نظر گرفته، در جنگ با سایر کشورها از آنها به عنوان راهکار اصلی برای شکست آن کشورها استفاده کرده است. راهکارهای فرعی که دشمنان برای مقابله با

جمهوری اسلامی بکار گرفته‌اند، در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و یا ترکیبی از این سه حوزه است. به طوری که اگر چهل سالی را که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد را به ۴ دهه تقسیم کنیم، دشمن با هدف انهدام، مهار و تغییر نظام اسلامی در هر دهه، ضمن به‌کارگیری همه راهکارهای فرعی، تمرکز خود را در یکی از حوزه‌های فوق‌الذکر صرف نموده است. برای مثال در حوزه نظامی، می‌توان به اقداماتی همچون طرح آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در جریان تسخیر لانه جاسوسی و شکست در آن، طرح کودتای نوژه، تحریک صدام برای حمله به ایران؛ در حوزه اقتصادی، اعمال تحریم‌های مختلف اقتصادی و در بخش سیاسی، به حمایت، سازمان‌دهی و هدایت مخالفان نظام برای مقابله با نظام اسلامی اشاره کرد. در راهکار ترکیبی، هم‌زمان در همه حوزه‌ها سعی در ایجاد ضربه به انقلاب اسلامی دارند. یعنی در حوزه اقتصادی، شدیدترین تحریم را اعمال و هم‌زمان با به‌کارگیری انواع ترفندهای سیاسی، سعی در ایجاد فتنه و آشوب در ایران و القاء روحیه یأس و ناامیدی در بدنه جامعه دارند و در حوزه نظامی، با اقدامات تروریستی در داخل کشور و ترور مسئولان دلسوز مثل سپهبد قاسم سلیمانی اقدام کرده‌اند. جالب اینکه هرچند همه این اقدامات از راهکارهای فرعی استکبار برای ضربه به اسلام و نظام اسلامی بوده است، آمریکا در دشمنی و ایجاد ضربه با سایر کشورها از تک‌تک آن‌ها به عنوان راهکار اصلی برای شکست آن کشورها استفاده کرده است. اما راهکار اصلی آمریکا و استکبار برای به چالش کشاندن نظام اسلامی عبارت است از تلاش برای تغییر در باورها و اعتقادات اسلامی مردم جامعه. دلایلی که آمریکا و همراهانش را به این نتیجه رسانده که در تقابل با نظام اسلامی و انقلاب اسلامی، راهکار اصلی خود را تلاش برای تغییر در باورها و اعتقادات اسلامی مردم جامعه ایران قرار داده و بر آن تمرکز نمایند را می‌شود به طور خلاصه در دو دلیل تجربه تاریخی دشمنان اسلام در به انحطاط کشاندن تمدن اسلامی در سرزمین اندلس و دلیل عقلی هم اینکه دوام و قوام نظام اسلامی در اطاعت و پیروی از ولایت فقیه می‌باشد و با توجه به اینکه هیچگونه راه نفوذ و ضعف در مقام ولایت وجود ندارد؛ می‌خواهند زمینی را که دژ محکم و نفوذناپذیر ولایت فقیه در آن بنا شده (باور و اعتقادات دینی جامعه اسلامی) را سست نمایند تا دیگر این جامعه توان نگهداری این بنای استوار را نداشته باشند؛ و طبیعتاً جامعه اسلامی که از امام خود غافل بماند، محکوم به شکست خواهد بود.

پیشنهادات:

برای دفاع در مقابل جنگ نرم و جنگ فرهنگی راهکارهای متنوعی مطرح است که در ادامه به برخی از این راهکارها اشاره می‌شود:

۱- تلاش برای آگاه‌سازی و ایجاد دغدغه و باور به وجود جنگ نرم در بین مردم و مسئولین.

۲- توجه ویژه به وجود پیوست فرهنگی در تمام طرح‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.

۳- برخورد قاطع با مروجان فرهنگ غرب و مبارزه جدی با روحیه‌ی کاخ‌نشینی و تجمل‌گرایی به‌ویژه در بین مدیران و مسئولین.

۴- تلاش برای رفع مشکلات اقتصادی جامعه به‌ویژه مشکلات اشتغال و ازدواج جوانان.

۵- تقویت بینش دینی و سیاسی جامعه.

۶- احیاء و توسعه امر به معروف و نهی از منکر.

۷- دفاع از ارزش‌های دینی و احیای عزت نفس و غیرت دینی.

آنچه مسلم است این است که دشمن، تهاجم خود را از جبهه فرهنگی شروع کرده و کاملاً حساب‌شده و چراغ خاموش در حال پیشروی می‌باشد. اگر اقدام شایسته صورت نگیرد، قطعاً این غده سرطانی به تمام پیکره ایران اسلامی سرایت می‌کند. لذا همان‌گونه که در طول ۸ سال دفاع مقدس مردم و مسئولین با عزم و اراده هم در مقابل تهاجم سخت جهانی با خلق حماسه ماندگار موجب شگفتی جهانیان شدند، برای مقابله با جنگ نرم و فرهنگی هم باید با تمام امکانات به دفاع و دفع فرهنگ دشمن پردازیم؛ و گرنه سنگرها را یکی بعد از دیگری از دست خواهیم داد و زمانی به خود می‌آییم که کار از کار گذشته است.

منابع:

- ۱- الفت پور، محمدعلی (۱۳۸۹). چهل تدبیر: مروری بر وقایع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر پرستا.
- ۲- ابراهیمی، شهروز؛ محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). فرهنگ: بستری برای جنگ نرم، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال ششم، شماره ۶۵ و ۶۶، صفحات ۴۱-۶۲.
- ۳- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، (مجموعه ۲۲ جلدی سخنرانی‌ها و بیانات امام خمینی)، چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۴- بصیری، محمدعلی (۱۳۹۱). جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روش‌ها، ابزارها و راهکارها)، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دوم، شماره پنجم، صفحات ۱۷۷-۱۵۱.
- ۵- بصیری، محمدعلی؛ سالدورگر، الهه (۱۳۹۶). بررسی علل و عوامل شکل‌گیری داعش، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۳، صفحات ۵۷۰-۵۵۳.
- ۶- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰). فناوری‌های قدرت در جنگ نرم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، شماره مسلسل ۵۱، صفحات ۳۰-۵.
- ۷- ذوالفقاری، مهدی؛ عمرانی، ابوذر (۱۳۹۶). تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره دوم، صفحات ۱۹۵-۱۶۹.
- ۸- رشادتی، محمد مهدی (۱۳۸۶). حکومت مبتنی بر نظریه ولایت فقیه از منظر امام خمینی (ره)، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۱۴-۱۳، صفحات ۱۹-۳.
- ۹- سیاهه جنگ‌های ناکام آمریکا در جهان، باشگاه خبرنگاران جوان به آدرس: www.yjc.ir، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷ کد خبر ۶۵۲۵۸۹۴.
- ۱۰- طنطاوی، سید محمد (۱۳۸۱). غروب آفتاب در اندلس: علل انحطاط حکومت مسلمانان در اسپانیا، تهران: دارالصادقین.
- ۱۱- عبدالحمیدی، حسین؛ رحیمی، اسداله (۱۳۹۷). نقش فساد اخلاقی در انحطاط تمدن اسلامی در اندلس، نشریه گفتمان اندیشه، دوره یک، شماره یک، صفحات ۹۶-۶۱.

- ۱۲- علیاری تیریزی، بهاء‌الدین (۱۳۹۸). قتل هدفمند در آیینہ اصول و مبانی حقوق بین‌الملل (با تأکید بر قتل‌های هدفمند رژیم اشغالگر قدس و ایالات متحده آمریکا به‌ویژه قتل هدفمند سپهبد شهید قاسم سلیمانی)، پژوهشنامه حقوق بشری، سال پنجم، شماره ۱۸، صفحات ۴۴-۱۳.
- ۱۳- عیوضی، محمدرحیم؛ میرشاه ولایتی، فرزانه؛ نظری‌زاده، فرهاد (۱۳۹۱). جنگ نرم و سناریوهای آینده انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴، صفحات ۳۴-۱.
- ۱۴- غلام‌پور، احمد (۱۳۸۹). راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدید نظامی آمریکا، سیاست دفاعی، شماره ۷۲، صفحات ۱۰۲-۵۷.
- ۱۵- فولادی، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ و مهندسی فرهنگ، فصلنامه راهبرد فرهنگ، سال اول، شماره اول، صفحات ۲۲۰-۱۸۳.
- ۱۶- قاسمی، مصطفی (۱۳۸۷). تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران و آثار آن، فصلنامه مریان، شماره ۲۷، صفحات ۲۰۱-۱۸۳.
- ۱۷- قراکز لو، محمد (۱۳۸۲). چیستی فرهنگ و تمدن، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۷ و ۱۹۸، صفحات ۹۵-۸۶.
- ۱۸- قربانی، زین العابدین (۱۳۵۲). علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین: اسپانیا از مسلمین استمداد می‌کند، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهاردهم، شماره ۵، صفحات ۷۴-۷۰.
- ۱۹- قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ آسوده، رضا (۱۳۹۸). آمریکا و جمهوری اسلامی ایران: از جنگ سخت تا جنگ نرم، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶، صفحات ۳۱-۱.
- ۲۰- کرامتی، محمد (۱۳۸۹). تاریخچه اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران، خبرگزاری فارس به آدرس: www.farsnews.ir.
- ۲۱- کریمی‌والا، محمدرضا؛ زمانی، محمدمهدی (۱۳۹۷). جایگاه سیاسی مردم در نظریه ولایت مطلقه فقیه در اندیشه امام خمینی (ره) و نظریه خلافت در اندیشه

- اخوان المسلمین مصر، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۴، صفحات ۱۶۴-۱۴۷.
- ۲۲- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۷). اروپا، مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی: سقوط اندلس، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال چهل و نهم، شماره ۹، صفحات ۴۸-۴۳.
- ۲۳- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۷). اروپا، مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی: هشت قرن فرمانروایی در اندلس، درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۵۷۳، صفحات ۵۹-۵۴.
- ۲۴- مجتبی‌زاده، علی (۱۳۹۲). شرارت‌های آمریکا علیه ملت ایران، مکاتبه و اندیشه، شماره چهل و هفتم، صفحات ۱۰۴-۹۰.
- ۲۵- محترم، محمدحسین (۱۳۹۸). روزنامه کیهان به آدرس kayhan.ir پنج‌شنبه ۱۶ آبان ۱۳۹۸ شماره ۲۲۳۲۳.
- ۲۶- محمدی، منوچهر (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل، چاپ ششم. تهران: انتشارات دادگستر.
- ۲۷- محمدی، یدالله (۱۳۷۹). انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی: تقابل و رویارویی دو چهره «نرم‌افزاری و سخت‌افزاری» قدرت، فصلنامه مصباح، سال نهم، شماره ۳۶، صفحات ۱۰۶-۹۵.
- ۲۸- محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۱). شکست مسلمین در اندلس، عبرتی بزرگ، رواق اندیشه، شماره ۱۵، صفحات ۹۶-۸۷.
- ۲۹- مرادزاده، علی (۱۳۸۸). نگاهی بر انقلاب مخملی در ایران، مجله امید انقلاب، شماره ۴۰۴، صفحات ۳۹-۳۶.
- ۳۰- مرادی‌رستگار، حمیدرضا؛ شمخانی، اژدر؛ یوسفی افرشته، مجید (بی‌تا). جنگ نرم (جنگ خاموش) تهدیدی علیه امنیت جامعه، فصلنامه دانش انتظامی همدان، سال دوم، شماره ۴، صفحات ۵۱-۲۵.
- ۳۱- منظور، داوود (۱۳۹۲)، بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال یکم، شماره ۲، صفحات ۴۲-۲۱.
- ۳۲- موسوی، سیدصفدر (۱۳۹۶). بازخوانی عبرت‌آموز تاریخ اندلس، فصلنامه علمی

- پژوهشی بلاغ، شماره ۵۳ و ۵۴، صفحات ۱۴۵-۱۲۷.
- ۳۳ - موسوی، سید صمد (۱۳۹۶). مروری بر جنایات آمریکا علیه ملت ایران، پایگاه اینترنتی اتحادیه انجمن اسلامی دانش آموزان به آدرس: www.afaagh.com.
- ۳۴ - میرچراغ خانی، حسین (۱۳۹۵). جنایات دولت‌های آمریکا علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی، پیام، شماره صد و بیستم، صفحات ۶۳-۴۳.
- ۳۵ - نائینی، علی محمد (۱۳۸۹). درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۸، صفحات ۳۲-۱.
- ۳۶ - نگاهی به عملیات ام‌الحسین، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس به آدرس: <http://www.dsrc.ir/View/article.aspx?id=7801>